

مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶/۰۳/۱۴

نویسنده: ن . جلیل زاد

حرف های داکتر روستار تره کی یک «مانیفست تحلیلی» برای بازاندیشی جایگاه افغانستان



داکتر روستار تره کی

جایگاه مقاله استاد داکتر تره کی در گفتمان منطقه ای مقاله داکتر محمد عثمان تره کی با گزاره ای جسورانه آغاز می شود. «اگر جنگ با پاکستان خوب مدیریت شود، تجزیه پاکستان محتمل خواهد بود.»

این گزاره، در سطح ظاهری، یک پیش بینی ژئوپولیتیک است، اما در سطح عمیق تر، نقدی است بر نگاه های بحران زای درونی پاکستان و نقش سیاست خارجی آن کشور انگلیس ساخته در تولید ناامنی ساختاری در افغانستان و منطقه.

داکتر تره کی، پاکستان را نه صرفاً یک همسایه مشکل ساز، بلکه یک «ساختار بحران زا» می بیند، ساختاری که از بدو تأسیس (۱۹۴۷) بر شکاف های قومی، مذهبی، طبقاتی و جغرافیایی بنا شده و با سیاست های های نیابتی، خود را تداوم داده است.

در این چارچوب، مقاله او را می توان بخشی از گفتمان انتقادی جدیدی دانست که در افغانستان و منطقه، به جای نگاه صرفاً احساسی به پاکستان، آن را در پیوند با ساختارهای اقتصادی، امنیتی و ژئوپولیتیک جهانی تحلیل می کند. بحران های درونی پاکستان از «دولت امنیتی» تا «جامعه فرسوده» برای فهم امکان یا عدم امکان تجزیه، باید ابتدا به بحران های درونی پاکستان نگاه کرد:

بحران امنیتی و شورش های پیرامونی:

از بلوچستان تا وزیرستان، پاکستان با طیفی از گروه های مسلح، جنبش های قومی و شبکه های معترض روبهرو است، از ارتش آزادی بخش بلوچستان (BLA) و جبهه آزادی بخش بلوچستان (BLF) تا تحریک طالبان پاکستان (TTP) و جنبش تحفظ پشتون ها (PTM).

این جریان ها، بازتاب نارضایتی عمیق از تمرکز قدرت در اسلام آباد، تبعیض اقتصادی و حاشیه نشینی تاریخی مناطق پیرامونی اند.

بحران اقتصادی و شکنندگی ساختاری:

اقتصاد پاکستان سال هاست زیر فشار قرض های خارجی، تورم، بیکاری و وابستگی به کمک های مالی صندوق بین المللی پول و کشورهای خلیج قرار دارد.

این بحران اقتصادی، مشروعیت دولت مرکزی را فرسوده و زمینه را برای رشد گفتمان های تجزیه طلبانه و ضدمرکز فراهم کرده است.

بحران مشروعیت سیاسی و رقابت نهادهای قدرت:

در پاکستان، ورود، سرویس های استخباراتی، احزاب سنتی، گروه های مذهبی و قدرت های خارجی، همگی در ساختار قدرت دخیل اند.

این چندپارگی قدرت، مانع شکل گیری یک دولت ملی فراگیر شده و کشور را در چرخه کودتا، دولت های موقت، ائتلاف های شکننده و اعتراضات خیابانی نگه داشته است.

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرولو مخکې په خیر و لولئ

استاد تره‌کی، وقتی از «احتمال تجزیه» سخن می‌گوید، دقیقاً بر همین انباشت بحران‌ها تکیه می‌کند، یعنی پاکستان را نه یک دولت باثبات، بلکه یک «پروژه نیمه‌تمام» می‌بیند که اگر فشارهای داخلی و خارجی هم‌زمان تشدید شوند، می‌تواند به سمت فروپاشی یا دست‌کم، تضعیف جدی حاکمیت مرکزی برود.

جنگ، مدیریت و مسئولیت

از ماجراجویی تا استراتژی

نکته مهم در مقاله دکتر تره‌کی این است که او جنگ را «ماجرایابی» نمی‌نامد، بلکه از «مدیریت جنگ» سخن می‌گوید، یعنی:

جنگ، اگر رخ دهد، باید در چارچوب محاسبه دقیق سیاسی، دیپلماتیک و منطقه‌ای فهم شود.

افغانستان نباید ابزار پروژه‌های دیگران شود، بلکه باید در هر سناریو، جایگاه مستقل و عقلانی خود را تعریف کند، هرگونه درگیری، بدون اصلاح درونی افغانستان، نه تنها به تجزیه پاکستان نمی‌انجامد، بلکه خود افغانستان را آسیب پذیرتر می‌کند.

او، استاد تره‌کی به درستی تأکید می‌کند که شرط هر نقش‌آفرینی مؤثر افغانستان، عبور از قرائت طالبانی از دین، پذیرش آموزش دختران، و حرکت به سوی یک اسلام سازگار با جهان مدرن است، یعنی بدون تحول درونی، هیچ «پیروزی بیرونی» پایدار نخواهد بود.

این نکته، مقاله‌ای استاد را از سطح شعار به سطح «خودانقادی ملی» ارتقا می‌دهد.

نقش بازیگران منطقه‌ای و جهانی

در معادله پاکستان

استاد تره‌کی، در متن خود، به چند محور مهم اشاره می‌کند که می‌توان آن‌ها را بسط داد:

ایران:

ایران، با وجود ظاهر دیپلماتیک، از پیوند استراتژیک پاکستان با آمریکا، اسرائیل و عربستان ناخشنود است.

از نگاه تهران، پاکستان هم در پروژه مهار ایران نقش داشته، هم با سلاح هسته‌ای خود، یک تهدید بالقوه است.

اگر ایران از بحران‌های خود عبور کند، می‌تواند در شتاب بخشیدن به روند تضعیف یا تجزیه پاکستان نقش‌آفرین باشد، البته نه لزوماً از طریق جنگ مستقیم، بلکه از طریق حمایت از گفت‌وگوهای بدیل، فشارهای دیپلماتیک و بازی در میدان انرژی و ترانزیت.

هند و اسرائیل:

چرخش تدریجی اسرائیل به سمت هند، و فاصله‌گیری نسبی از پاکستان، نشان‌دهنده تغییر درک اسرائیل از «شریک استراتژیک» در جنوب آسیاست.

هند، با اقتصاد بزرگ‌تر، ثبات نسبی و رقابت با چین، برای اسرائیل و غرب جذاب‌تر از پاکستان بحران‌زده است. این تغییر، پاکستان را در موقعیت آسیب‌پذیرتری قرار می‌دهد و احساس انزوا و ناامنی استراتژیک را در اسلام‌آباد تشدید می‌کند.

عربستان

و کشورهای خلیج:

پیمان‌های استراتژیک پاکستان با عربستان، از یک سو منبع کمک مالی و مشروعیت سیاسی است، اما از سوی دیگر، آن را در معادلات رقابتی ایران، عربستان و جنگ‌های نیابتی منطقه درگیر می‌کند.

هرگونه تغییر در سیاست انرژی، دالر نفتی و نظم امنیتی خلیج فارس، می‌تواند مستقیماً بر ثبات پاکستان اثر بگذارد. غرب و خلع سلاح هسته‌ای:

استاد تره‌کی به سناریویی اشاره می‌کند که در آن، اگر غرب در «جنگ با اسلام» (به تعبیر او) خود را پیروز بداند، ممکن است به سمت خلع سلاح هسته‌ای پاکستان برود.

در چنین سناریویی، افغانستان مسلمان اما سازگار با مفاهیم مدرن، می‌تواند به عنوان یک بازیگر میانی، نقش‌آفرینی کند.

این تحلیل، بیش از آن که یک پیش‌بینی قطعی باشد، هشدار است، کشوری که امنیت خود را بر سلاح هسته‌ای و گروه‌های نیابتی بنا کند، در بلندمدت در معرض فشار برای خلع سلاح و حتی تجزیه قرار می‌گیرد.

تجزیه پاکستان

امکان، نه ضرورت

برای بسط علمی‌تر مقاله، باید میان «امکان» و «ضرورت» تفکیک کرد:

دلایل امکان تجزیه

شکاف های عمیق قومی و زبانی (پنجابی، سندھی، بلوچ، پشتون، سرائیکی و...)، نارضایتی تاریخی بلوچستان و پشتون خوا از مرکز، بحران اقتصادی مزمن و وابستگی مالی، رقابت قدرت های خارجی بر سر کریدورهای ترانزیتی (CPEC)، راه ابریشم چین، مسیرهای انرژی به مدیترانه و آسیای مرکزی. (دلایل مقاومت در برابر تجزیه، ارتش قدرتمند و شبکه استخباراتی منسجم که تا امروز توانسته اند شورش ها را مهار یا مدیریت کنند، ترس منطقه ای و جهانی از پیامدهای فروپاشی یک قدرت هسته ای، وابستگی متقابل قدرت های بزرگ (چین، آمریکا، خلیج) به ثبات نسبی پاکستان برای پروژه های اقتصادی و امنیتی شان. بنابراین، سخن گفتن از «احتمال تجزیه» به معنای پیش بینی قطعی فروپاشی نیست، بلکه تأکید بر این است که اگر بحران های داخلی حل نشود و سیاست خارجی پاکستان همچنان بر مداخله، نیابت و صدور ناامنی استوار بماند، این کشور می تواند به سمت تضعیف ساختاری و حتی سناریوهای تجزیه طلبانه سوق داده شود. افغانستان از قربانی تا بازیگر مسئول بخش مهم و ارزشمند مقاله داکتر تره کی، تأکید بر مسئولیت افغانستان است. او می گوید: افغانستان باید از اسلام طالبانی عبور کند، باید خود را در پیوند استراتژیک با کشورهایی قرار دهد که از «مهار شدن پاکستان» سود می برند، اما بدون آن که استقلال خود را بفروشد، باید به یک افغانستان مسلمان، مدرن، آموزش محور و قانون مدار تبدیل شود تا بتواند در هر نظم جدید منطقه ای، نقش مثبت و سازنده بازی کند. این نگاه، افغانستان را از «سوژه منفعل» به «فاعل سیاسی» تبدیل می کند. در چنین چارچوبی، بحث تجزیه پاکستان نه یک آرزوی انتقام جویانه، بلکه یک هشدار تحلیلی است. اگر پاکستان به سیاست های کنونی خود ادامه دهد، و اگر افغانستان و منطقه با عقلانیت، دیپلماسی فعال، اصلاح درونی و مدیریت بحران پیش بروند، آنگاه ساختار شکننده پاکستان می تواند به نقطه ای برسد که دیگر نتواند همه چیز را با زور و نیابت کنترل کند. واپسین گپ مقاله داکتر محمد عثمان تره کی، در اصل، سه پیام محوری دارد که می توان آن ها را با اسناد و شواهد امروز منطقه تقویت کرد: پاکستان، یک قدرت باثبات نیست، بلکه یک ساختار بحران زاست که بر شکاف های قومی، اقتصادی و امنیتی بنا شده و اگر این بحران ها حل نشود، سناریوهای تجزیه طلبانه تقویت می شوند. جنگ، اگر رخ دهد، باید «مدیریت شده» و در چارچوب عقلانیت سیاسی فهم شود، نه ماجراجویی احساسی، و بدون اصلاح درونی افغانستان، هیچ سناریوی بیرونی به نفع مردم آن تمام نخواهد شد. آینده منطقه، نه در دست یک کشور، بلکه در تعامل پیچیده ایران، هند، پاکستان، افغانستان، عربستان، چین، آمریکا و اروپا شکل می گیرد، و در این میان، افغانستان می تواند از قربانی به بازیگر مسئول تبدیل شود، اگر بر آموزش، حقوق زنان، قانون مندی و استقلال سیاسی پای بشارد. اینگونه، مقاله استاد تره کی از یک متن صرفاً هشداردهنده، به یک «مانیفست تحلیلی» برای بازاندیشی جایگاه افغانستان و نقد ساختاری پاکستان تبدیل می شود، متنی زنده، جاندار و اثرگذار، به شرط آنکه ما آن را نه به عنوان دعوت به جنگ، بلکه به عنوان دعوت به فهم عمیق تر تاریخ، سیاست و مسئولیت جمعی بخوانیم.

آرشیف: مطالب نشر شده ن. جلیل زاد

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de یادونه: دلیکنې د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ